

بسمه تعالی

عنوان:

تاملی بر معماری اسلامی و معماری سنتی در ایران

با راهنمایی استاد محترم:

جناب آقای دکتر عارف

محقق:

محمد رضا اکبریانی

زمستان ۹۴ - بجنورد

چکیده:

هنر شناسان مغرب زمین تا کنون در باره معماری اسلامی مطالب متعددی منتشر کرده اند، آنها حقایق هنری، ساختی و سنتی معماری اسلام را توأمان بررسی کرده اند و بیشتر به سیاق ساخت آنها تاکید ورزیده اند و اگر هم به عملکرد و مفاهیم سیاسی و اجتماعی آن پرداخته اند در حاشیه بوده است و اما معماری سنتی اصطلاحی است که در صحبت های بسیاری از معماران، مقاله ها و کتاب ها بحث های هنری و معماری همیشه مورد نظر بوده و همه ی شنوندگان مفهوم کلی آن را می فهمند، اما سوال نمی شود که معماری سنتی و تفاوت آن با معماری اسلامی در چیست؟

کلید واژگان:

معماری جهان اسلام-معماری سنتی-معماری تاریخی-معماری باهویت-معمار سنتی-سنت

مقدمه :

در بحث خود به مفهوم معماری اسلامی می پردازد و اینکه آیا چیزی به نام معماری اسلام وجود دارد یا نه؟ او در پایان نوشتار خود به این نتیجه می رسد که عنوان « معماری اسلامی» برای آثاری که در ممالک اسلامی پدید آمده عنوانی برازنده است.

آژند^۱، یعقوب (۱۳۸۰). مترجم کتاب معماری جهان اسلام؛ دیکی جیمز و دیگران .

به وجه الهی معماری و نمونه های آن در ممالک اسلامی توجه می کند. و مساجد و مدارس و مقابر را جلوه ای از این وجه الهی در می یابد. (از منظر او وحدت دین اسلام در این سه جریان اصلی معماری و مذهبی نمود پیدا می کند). از مسجد به مفاهیمی چون قبله و نماز و مناسک حج نام می برد و مدرسه را مسجدی برای تعلیم و تعلم می بیند، و خانقاده و زاویه و تکیه را فراموش نمی کند. از مقبره به مراسم تدفین و مجتمع های آرامگاهی گام می نهد.

به معماری قدرت می پردازد و جلوه های آن را کاخ ها و آرگ ها می داند و معتقد است که بیان قدرت همواره از کارهای معماری بوده حتی آرامگاه های بعضی از سلاطین را نیز جلوه ای از این قدرت می داند. چون مقتدران همواره خواسته اند با این نوع نمادهای معماری قدرت خودشان را در دل ایام جاودانه سازند. حتی برج ها و ارگها و دروازه ها قدرت امپراطوری را به رخ مردم می کشیدند.

تزئینات اسلامی مشتمل بر سطح و نقوش و نور همواره در معماری اسلامی پایگاهی داشته و بناها را همچون شنلی فرو می پوشاند طوریکه نقوش هندسی، قاب های تزئینی، اسلیمی های گیاهی و هندسی، کتیبه نگاری، بازی با نور و نقش، برگ آرائی های چشم نواز و جلوه های شناور آب در معماری و پیکره های انسانی و حیوانی کاملاً مورد بحث است.

نقش تزئین در معماری اسلامی یک نقش محوری و یکی از عوامل عمده وحدت هنرهای اسلامی است، به هر حال دیدگاه غربیان در مورد تزئین اسلامی خیلی کم رنگ بوده طوریکه توجه چندانی به خلاقیت نقش پردازی و طراحی و کلاً زیبا شناسی تزئین اسلامی نمی کنند و آن را نادیده می گیرند.

^۱- دیکی، جیمز. (۱۳۸۰).

معماری بومی را شاید بتوان پیش درآمدی بر آثار سترگ معماری در بیشتر زمینه ها دانست طوریکه گاهی معماری را از نظر بیان، دقت ، صداقت با معماری سترگ کشورها برابری می کنند.

نظر غرب به معماری اسلام و سنتی (ایران)

معماری جهان اسلام و سنتی دیرگاهی است شاهد تحسین و تمجید دنیای غرب است. ولی این دل بستگی و شیفتگی بیشتر فاقد هر نوع فهم و ادراک از اندیشه ها و طرز زندگی مسلمانان است . معماری اسلامی و سنتی فراتر از منظره گنبد ها و مناره ها ، کاخ های معطر و مطبوع و مساجد و بناهای آجری و گلی و کاشی های فیروزه ای ، باشکوه و غیر از آن است . این معماری بیان حقیقی فرهنگ پر مایه ای است که در عرض هزاران سال ممالک مختلف را به هم نزدیک کرده و در بین آنها یگانگی ایجاد کرده است.

عمارات سنتی و مذهبی بیان کننده عقاید ، ساخت اجتماعی و اقتصادی ، انگیزه سیاسی و ذوق پروری بصری یک سنت فراگیر و متحد است . یگانگی و وحدت مفهوم معماری اسلامی که باطناً سده به سده و مکان به مکان طی می کرد ، شاهی بر قدرت و گستره اسلام است. دگرگونی های منطقه ای و تاریخی و سیاسی و اقتصادی یاده ای از این معماری ها را شکل داده است.

۱..... ۲..... ۳.....

معماری چیزی فراتر از تاریخ فرم و سبک است ، معماری در حقیقت دست آورد عوامل فرهنگی و محیطی است ، و بیان شیوه زندگی افرادی است که آن را در افکنده اند . معماری سنتی ، معماری مردم مسلمان ، از حاکم و جنگاور گرفته تا عالم و معلم از بازرگانان و سیاحان گرفته تا واحدهای خانوادگی متوسط است . با توجه به نیاز شناخت معماری سنتی لازم می دانم توضیحاتی پیرامون معماری سنتی داشته باشم.

اصطلاحات مترادف معماری سنتی

مهمترین اصطلاحاتی که در تعریف این معماری گفته می شود، عبارتند از معماری تاریخی ، معماری قدیمی ، معماری اصیل ، معماری با هویت ، معماری محلی و بومی و

معماری تاریخی: معماری است که جنبه تاریخی دارد و منسوب به تاریخ است . پس در حقیقت ، معماری تاریخی به معماری ساخته شده در یک دوره زمانی ربط پیدا می کند طوریکه یک نوع بار زمانی را مد نظر می گیرد.

معماری قدیمی: بیشتر به بعد زمانی توجه می شود، قدیم در لغت به معنی «دیرینه» و پیشین و سابق است و قدیمی یعنی دیرینه، کهن، سال دیده و پیر.^۲

پس معماری قدیمی در حقیقت نوعی معماری است که موسسید کرده و گرد تاریخ بر چهره دارد و با تجربه و پیر است. بنابراین این معماری متعلق به حال نیست و در گذشته ریشه دارد و باید به آن احترام گذاشت. نکته دیگری که در مورد این واژه مطرح است، وجود نوعی تقدس برای آن است، قدیم نامی از نامهای خدای تعالی است.

معماری بومی: این نوع معماری به سرزمین و ناحیه ای خاص تعلق دارد، لغت «بوم» بار مکانی دارد و محدوده مشخص شده ای را از مکان که دارای مرزی است شامل می شود.^۳

واژه نزدیک به بومی، واژه محل یا محلی است که همان بار مکانی را دارد، که شامل محدوده خاص از مکان را در بر می گیرد که دارای شرایط محیطی و اقلیمی بخصوص است.

معماری با هویت: این اصطلاح مترادف دیگری برای معماری سنتی است. هویت، در لغت با مفاهیمی چون «ذات باری تعالی» هستی، وجود و آنچه موجب شناسایی شخص باشد تعریف شده است. اگر هویت به معنی چیزی است که موجب شناسایی می شود، پس در حقیقت نوعی کارت شناسایی، شناسنامه، و مدرکی است که معمولاً در آن نام و نام خانوادگی و کلیه مشخصات فردی آن باید مشخص شود، پس می توان معماری با هویت را به معماری قابل شناسایی تعبیر کرد، یعنی معماری که با مطالعه آن خاندان و جد و آبادش، اصل و نسب آن مشخص می شود.^۴

اصیل: در لغت به معنی «نژاد، گهر، والاتبار و نجیب» است.

اصالت یعنی «با نژاد بودن، گهر داشتن، نجابت داشتن، شرافت داشتن. والاتباری و پدر داری» تعریف شده است.^۵

«نجیب» را «گوهر»، نژاد، اصیل، پارسا، عفیف، هر چیز ممتاز و آنکه از خانواده ای بزرگ باشد» معنی کرده اند.^۶

۲- فرهنگ معین، ص ۶۳۹.

۳- فرهنگ معین، ص ۲۲.

۴- فرهنگ معین، ص ۹۵۶.

۵- فرهنگ معین، ص ۱۱۸-۱۱۹.

۶- فرهنگ معین، ص ۹۳۶.

با این تعاریف معماری اصیل را نوعی معماری دانست که ممتاز است . همچون گهر ارزشمند ، جنبهٔ قومی و نژادی دارد . منتهی نه هر قوم و نژادی، بلکه قوم و نژادی والا و شریف.

در معماری سنتی ، معماری خودی نیز مطرح است، خودی در لغت به معنای آشنا است . پس معماری خودی، معماری آشنا است یعنی معماری آشنا است و همهٔ آن را درک می کنند و سابقهٔ شناخت وجود دارد و غریبه و بیگانه ای هیچگاه آشنای ما نخواهد بود . پس معماری خودی استقلال دارد و چیزی از خارج وارد آن نشده است ، در فرهنگ خودی ریشه دارد و از ویژگی های فرهنگی ، اقتصادی و رفتاری و آداب و رسوم مردم و... سرچشمه می گیرد . با توضیحات بالا می توان گفت که معماری سنتی به عواملی چون :

۱ - زمان ۲- مکان ۳- فرهنگ ۴- معنای خاص

بستگی دارد ، و این عوامل با گذشت زمان و شرایط متغیر بوده است.

بنایی که امروزه سنتی نیست ، با گذشت قرن‌ها ممکن است حکم سنتی را به خود بگیرد ، یا آلاچیقی که در مناطق ترکمن نشین سنتی است و حکم سنت را دارد ممکن است در مناطق بلوچ مفهومی دیگری داشته باشد . یا خانه هایی که در مناطقی از کشور سنتی است ولی در مناطق دیگر شکل متفاوتی داشته باشد . (مثلاً بنای عرب های خوزستانی با بناهای کرد ولر شکل متفاوتی دارد)

معنا و مفهوم لغوی سنت

در لغت نامه دهخدا ، برای واژهٔ «سنت» تعاریفی به قرار زیر آمده است :

راه و روش ، طریقه ، قانون ، روش و آیین ، رسم و نهاد ، احکام و امر و نهی خدای متعال، فرض و فریضه، واجب و لازم، احکام دین و شریعت « و در فرهنگ معین در تعریف این کلمه آمده است «راه» روش، سیرت، طریقه، عادت ، گفتار و کردار مترادف انگلیسی کلمه « سنت» واژه «تردیشن»^۶ است که در لغت نامه آکسفورد چنین آمده است « نظر» عقیده و رسمی که از پیشینیان به آیندگان دست به دست شده است.^۸

به نظر تعدادی از صاحب نظران معانی چون « دست به دست شدن و تحویل دادن و دست به دست شدن دانش، انتقال عقیده و نظر ، تحویل دادن و.....

^۶ - Tradition

^۸ - The concise dictionary , ۱۳۵۳

به نظر شیلز سنت تنها محصول یک روند فیزیکی در دنیای خارجی نیست ، سنت تنها نتیجه و محصول یک سلسله الزامات اکولوژیک و فیزیولوژیک هم نیست بلکه چیزی فراتر از این ها است و تعدادی از محققین در زمینه ارتباط سنت با فرهنگ موافق بوده طوریکه در مجموع معتقدند:

فرهنگ در طول تاریخ و عرض جغرافیایی زمین منتقل می گردد و گسترش فرهنگ را در بُعد مکان «انتشار» و نفوذ و گسترش آن را در طول زمان «سنت» می گویند.

محقق دیگری که بین سنت و فرهنگ و میراث های فرهنگی جامعه رابطه ای برقرار کرده «دوبرولسکی» است ، او معتقد است:

سنت در برگبرنده تمام میراث های فرهنگی است که از یک نسل به نسل دیگر دست به دست داده می شود .

دافتر هم معتقد است : سنت عبارت است از انتقال شفای و غیر شفاهی اطلاعات در بین مردمی که دارای فرهنگی مشترک هستند .

همان گونه که مطالب را آوردیم صاحب نظران در زمینه بیان تعریفی جامع و کامل از سنت اتفاق نظر ندارند، ولی متفق القول اند که سنت مقوله ای فرهنگی است که با دست به دست دادن و انتقال و استمرار همراه است .

ویژگی معماری سنتی

معماری سنتی آنگونه معماری است که اولاً بار فرهنگی خاصی داشته باشد ثانیاً در طول زمان دست به دست شده و از نسلی به نسلی دیگر رسیده باشد . صاحب نظرانی معتقدند که این نحوه تعریف چندان دقیق و معیار دقیقی نیست چون کلمه گذشته مربوط به چه زمانی است یعنی دیروز - سال گذشته - قبل از انقلاب و پیش از اسلام را شامل می شود ، که در پاسخ به فاصله زمانی بین دو نسل اشاره شده است و معتقدند که انتقال از نسلی به نسلی حکم سنتی را دارد . یعنی در معماری بناهایی از نسلی به نسل دیگر منتقل شده اند که این تعریف دقیقی نیست ، زیرا که طول عمر بنا را در نظر نمی گیرند و فقط نسلها هستند که سنتی بودن را ارزیابی می کنند .

ویژگی معنایی معماری سنتی

سید حسین نصر در مقاله سنت چیست؟ عنوان می کند که: کلمه «الدین» مناسب ترین معادل برای کلمه «tradition» یا سنت است، زیرا سرچشمه سنت امری قدسی است و آنچه سنتی است، از امر قدسی جدا ناپذیر است. سنت به معنای حقوق و اصولی است که دارای منشأ الهی است و بر بشر و در واقع بر کل قلمرو کیهانی وحی و الهام شده است.

سنت حضور امر قدسی را در سراسر جامعه بسط می دهد و تمدنی ایجاد می کند که معنای امر قدسی در همه عرصه های آن و از جمله در معماری حاضر است، به این ترتیب انسان سنتی نه تنها به ظاهر، بلکه به باطن نیز توجه بسیار دارد. ظاهر، عبارت است از صورت حسی به جنبه های ظاهری و کی اشیاء که به آسانی قابل درک است.^۹

با این توضیحات پدید آوردن بنایی سنتی که علاوه بر ظاهری شایسته به باطن و معنایی ارزشمند هم توجه داشته باشدکار هر کسی نیست، لذا معمار سنتی آثاری مصنوع و منفک از خلقت نیست بلکه جزئی از آن شمرده می شود. بنابراین معمار سنتی نهایت خود را بر این نمی داند که اثری متباین با طبیعت بسازد، بلکه در این می داند که اثر او، هم در عمل آسیبی به طبیعت نرساند و هم در سیمای خود به طبیعت متباین نباشد.

معمار خود را مستحیل در جامعه و معیارهای آن می دید و وظیفه خود را در نهایت بهبود بخشیدن آن ضوابط می دانست. نوآوری در آن زمان ارزشمند بود اما نوآوری مفهومی دیگر داشت چرا که نوآوری تابع قوانین و در چهارچوب سنت و رعایت قوانین سنتی بوده، افراد از ابتدا در شغل های کارگری و شاگردی در اصناف خود آشنا شده و کار می کردند و با توجه به فراخور استعدادهای خود و پشتکار مدارج تخصصی را طی می کردند، لذا بنایی که ساخته می شد هم با نیازهای جهانی و روحانی و روانی مردم مناسبت داشته و به فراخور افراد و با نظام زیبا شناسی آنان سازگارتر بود.

نتیجه:

^۹ - نصر، سید حسین، معرفت و امر قدسی، ص ۶۸ - ۵۴.

پس از پایان مطالب می‌توانیم پاسخگوی سؤالاتی باشیم که آیا اصلاً چیزی به نام « معماری اسلامی » وجود دارد؟ آیا می‌توانیم معماری که مسلمانان برای خدمت به دین اسلام پدید آوردند و در نتیجه فقط کارکرد معماری مذهبی - مسجد، مدرسه، آرامگاه و... داشته معماری اسلامی دانست؟ و اینکه آیا تمام معماری‌های اسلامی موجود بعد از اسلام بوجود آمده‌اند؟ و سؤالاتی از این قبیل که بیانگر این است که تعدادی از معماری‌هایی که به عنوان معماری اسلامی در سطح جهانی و یا ایرانی می‌باشند مختص معماری مذهبی نبوده حتی قدمتی بیشتر از دوران اسلامی دارد.

حین می‌توان معماری اسلامی را به عنوان تاریخی‌ترین معماری در دوران تاریخ دانست و مصالح و ساخت و طراحی معماری‌ها در دوران تاریخ با توجه به موقعیت جغرافیایی و فرهنگی تغییراتی کرده است که اهم آن برآورده کردن نیازهای مردم بوده است. همه این موارد باعث شده تا معماری آن هویت و ارزش خود را از دست دهد و چیزی جز از بین رفتن ارزش‌ها نبوده است.

Archive of SID